

# فرهنگ و انحراف فرهنگی

(مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین حشمتی، معاون فرهنگی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی)

اشاره:

حجت الاسلام و المسلمین محمدرضا حشمتی، معاون امور فرهنگی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی است. او تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در مشهد گذراند و سپس به عنوان دانشجوی رشته آمار، وارد دانشگاه شیراز شد و در همان شهر تحصیلات حوزوی خود را آغاز کرد و بخصوص از محضر شهید آیت الله دستغیب بهره‌مند شد. حشمتی پس از طی مقدمات برای ادامه تحصیلات حوزوی به قم هجرت کرد. او در زمینه فعالیتهای فرهنگی و مدیریتی دارای سوابق و مسئولیتهای متعدد بوده است از جمله مسئولیت پشتیبانی جنگ سازمان تبلیغات، مسئول فعالیتهای فرهنگی در کردستان در دوران جنگ تحمیلی، معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات، مسئولیت ستاد کانونهای مساجد وزارت ارشاد و...  
او همچنین دارای مقالات و کتابهای تحقیقی گوناگونی است از جمله کتاب تجدید حیات مساجد ایران، تحلیل آماری مساجد، راهنمای ساخت و ساز مسجد و...  
مصاحبه حضور را با ایشان در پی می خوانید.

\*\*\*

حضور: شما با توجه به دیدگاههای حضرت امام چه برداشتی از معنا و مفهوم فرهنگ

دارید؟

حجت الاسلام والمسلمین حشمتی: وقتی کلمات حضرت امام را در باره فرهنگ ملاحظه می کنیم یک بخش آن مربوط به اهمیت فرهنگ است. مانند زیر بنا بودن فرهنگ یا اینکه فرمودند اگر فرهنگ درست بشود این مملکت درست می شود، یا اصلاح فرهنگ در رأس امور است، یا



□ امام می‌خواستند مردم استقلال فرهنگی داشته باشند یعنی به فرهنگ خودشان متکی باشند

□ اسلامی که امام معرفی می‌کرد یعنی اسلام ناب برای ما الگو و معیار است

□ اگر در جامعه بد اخلاقی مشاهده می‌کنید ما قائل هستیم که از راه امام انحراف شروع شده است

اصلاح باید از فرهنگ شروع شود و غیره. چنین جملاتی بیانگر اهمیت فرهنگ از دیدگاه امام است. یک بخش دیگر سخنان ایشان مربوط به وابستگی فرهنگی است. امام می‌خواستند مردم استقلال فرهنگی داشته باشند یعنی به فرهنگ خودشان متکی باشند. کلاً امام دوست داشتند ملتهای شرق مستقل باشند. امام خمینی یک چهره ضد استبدادی، ضد استعماری و ضد استکباری بودند. به هر حال فرهنگ معمولاً مجموعه رفتارها، گرایشها، تفکرات و اعتقادات یک فرد را در بر می‌گیرد که این مجموعه وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند فرهنگ آن جامعه را نشان می‌دهد.

حضور: امام خمینی در بعضی از سخنان خود در باره انحراف فرهنگی هشدار داده اند. آیا به نظر شما در شرایط امروز جامعه انحراف فرهنگی مشاهده می‌شود یا خیر و اگر چنین انحرافی رخ داده است در باره چگونگی آن توضیح بفرمایید.

حشمتی: من فکر می‌کنم که ما باید ابتدا یک معیار داشته باشیم تا ببینیم از آن معیار، جامعه

منحرف شده است یا خیر. یک معیار کلی در جوامع اسلامی اسلام است ولی به دلیل آنکه اسلام یک معیار کلی است، هر شخص یا جامعه اسلامی به صورت خاص خود به آن نگاه می کند. ولی ما معتقدیم اسلامی که امام معرفی می کرد یعنی اسلام ناب، برای ما الگو و معیار است. حالا اگر بخواهیم ببینیم جامعه از این معیار منحرف شده است یا خیر طبعاً باید دیدگاههای امام و سخنان ایشان را نسبت به اسلام و فرهنگ اسلامی بدانیم و بشناسیم. اتفاقاً مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام دیدگاههای امام را تحت عنوان "اسلام ناب" و یکی هم تحت عنوان "آئین انقلاب اسلامی" استخراج و منتشر کرده است. کتابهای دیگری هم در این زمینه وجود دارد. این کتابها نگرش راسخ امام را نسبت به اسلام بیان می کند. یکی از محورهای اندیشه حضرت امام - به عنوان مثال عرض می کنم - محور وحدت است. در نگاه امام اسلام اصلاً آمده است تا میان جوامع اسلامی ایجاد و حدت کند. حال اگر شما در جامعه تفرقه می بینید ما می گوئیم این انحراف شروع شده است. یا مثلاً از دیدگاه امام اسلام آمده است تا مبانی اخلاقی را در مردم تقویت کند. حال اگر شما در جامعه بد اخلاقی را مشاهده می کنید ما قائل هستیم که از راه امام انحراف شروع شده است. به هر میزانی که جامعه را دقیق تر ملاحظه کنیم موارد انحراف را بیشتر و دقیقتر می توانیم ببینیم. مثال دیگر اینکه در کسوت خود ما، در نگاه امام - ایشان بارها اشاره کردند و پیام مفصلی هم به عنوان "منشور روحانیت" دارند - روحانیون کسانی هستند که وظایف انبیا را انجام می دهند. انبیا آمده اند تا نسبت به مردم وظیفه "یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه" را انجام دهند. پس روحانیون، هم باید به مردم کتاب تعلیم دهند و هم آنها را تزکیه و پاک کنند. در نگاه امام روحانی شخصیت مخصوصی است که زی خاص خود را دارد که همان زی طلبگی است. او بسیار متواضع است، حتی الامکان ساده زندگی می کند، حتی الامکان با مردم مدارا می کند. در حوزه علم و دانش خود، خوب مطالعه و بررسی کرده است، به مبانی اعتقادی خود ایمان دارد و حداقل در زمینه قرآن و حدیث خوب کار کرده است. ما، در هر حوزه که می خواهیم وارد شویم چون معیار ما اسلام از دریچه امام است لذا با این معیار انحرافات را بخوبی می توانیم شناسایی کنیم. مثلاً در نگاه امام حکومت در خدمت مردم است یعنی خادم مردم است، باید برای مردم

□ روابط ملت و حکومت در نگاه امام، رابطه‌ای تعریف شده است

□ امام خمینی بخشی از عمر خود را صرف مبارزه با خرافات کردند ولی امروز خرافه‌گرایی در جامعه ما زیاد شده است

خدمت کند. مردم باید از حکومت حاکمان احساس امنیت و احساس رضایت کنند و یک وابستگی داشته باشند. همان طور که در زمان جنگ این طور بود. مردم اعتقاد داشتند که دفاع از کشور، وظیفه شرعی آنهاست. چون این وظیفه فقط وظیفه دولت و ارتش و سپاه نبود. روابط ملت و مردم با حکومت در نگاه امام رابطه‌ای تعریف شده است. کما اینکه الگوی اولیه ما الگوی حکومت امیرالمؤمنین بود و خلافت ایشان در همان چند سال کوتاهی که ایشان حکومت کردند. اینها معیارهای ماست. وقتی ما می بینیم از این معیارها فاصله گرفته ایم می گوئیم انحراف شروع شده است. به نظر من اخلاق فردی امروز جامعه دچار انحرافات شده است. امام بخشی از عمر خود را صرف مبارزه با خرافات کردند ولی امروز خرافه‌گرایی در جامعه ما زیاد شده است. امام تأکید زیادی بر قرآن داشتند. وصیت نامه ایشان با حدیث ثقلین شروع می شود. نظر امام این بود که مردم با قرآن خو بگیرند، فرهنگ قرآنی در جامعه حاکم باشد و موارد بسیار دیگر که می توان یک به یک شماره کرد و نشان داد که از دیدگاههای امام یعنی از اسلام ناب محمدی (ص) انحراف بوجود آمده است. اگر معیار را امام قرار دهیم انحرافات زیاد است. مثلاً اگر در جامعه بیماری می بینیم که آبروی مردم توسط هر شخص یا هر رسانه براحتی ریخته می شود ما این را انحراف می دانیم. دقت کنیم که هم امام و هم سایر اندیشه‌مندان انحرافات اجتماعی را مهمتر از

انحرافات فردی می دانند. شاید یک فرد بدرستی اخلاق اسلامی را رعایت نکند ولی آن ضررش به خودش می رسد ولی در حوزه اجتماعی عدم رعایت اخلاق اسلامی، جامعه را متضرر خواهد کرد.

احترام به مردم و رعایت حرمت‌های مردم واقعاً مهم است. کسی حق ندارد به حریم شخصی افراد وارد شود، نباید آبروی آنها درجایی ریخته شود و آنها نتوانند از خود دفاع کنند. آبروی مؤمن مثل کعبه می ماند، باید حفظ شود. خوب، نگاه امام اینهاست. ولی ما هرچه دقت می کنیم می بینیم آبروی مردم را بردن رواج یافته است. پس این انحراف است. از این نمونه و مصادیق متأسفانه زیاد است. این برعهده متفکران و اندیشه مندان است که فکر و چاره ای بکنند.

حضور: همان طور که اشاره کردید حضرت امام دایره شمول مفهوم فرهنگ را بسیار وسیع می دیدند به نحوی که استقلال سیاسی، ارتباط حکومت با مردم، نقش نیروهای اجتماعی و بسیاری از مفاهیم دیگر را نیز جزیی از فرهنگ می دانستند. ولی این انحرافی که از اندیشه‌های امام بوجود آمده و هست و مشهود است آیا می تواند ریشه‌هایی داشته باشد، نقطه شروعی داشته باشد، در این زمینه چه نظری دارید؟

حشمتی: طبعاً همین طور است. هر پدیده ای علل و عواملی دارد و می توان برای آن نقطه شروعی قایل شد. اگر معیار را اندیشه امام قرار بدهیم که همان اسلام ناب است، وقتی این اسلام بخواهد در جامعه مستقر شود طبیعتاً با آن مخالفت‌هایی خواهد شد. در صدر اسلام هم با حکومت امیرالمؤمنین مخالفت‌های زیادی شد. انگیزه‌های زیادی هست برای مخالفت کردن با اندیشه حضرت امام. وقتی منافع اشخاص به خطر بیفتد سعی می کنند با اندیشه و راه امام مخالفت کنند. البته به اعتقاد خود من بعضی از مخالفت‌ها ریشه در بد فهمیدن اسلام دارد. بعضی‌ها برداشت نادرستی از اسلام دارند. در زمان حیات خود حضرت امام هم دیدید که تفسیر سوره حمد ایشان به علت جوسازیهای بعضی‌ها ناتمام ماند. یا مثلاً در فیضیه وقتی ایشان تدریس می کردند با ایشان مخالفت می کردند. اینها به علت آن است که مخالفان بد می فهمند. هنوز هم انجمن حجیه را در کشور داریم. آنها از امام زمان و از این پدیده مبارک بد فهمیدند و چون بد فهمیدند عملکرد آنها

□ بعضی‌ها منافع شخصی‌اشان اقتضا می‌کند تا با اندیشه امام و راه امام مخالفت کنند

□ اگر می‌بینیم که آبروی مردم توسط هر شخص یا هر رسانه، براحتی ریخته می‌شود ما این را انحراف می‌دانیم

نیز مخالف راه امام و اندیشه امام است. گو اینکه بعضی‌ها منافع شخصی‌اشان اقتضا می‌کند که با اندیشه و راه امام مخالفت کنند. مثلاً می‌گویند چه دلیلی دارد که روحانیت باید زی طلبگی داشته باشد. خیلی‌ها این قضیه را قبول نمی‌کنند. وقتی من طلبه نمی‌خواهم متواضع باشم، با مردم صمیمی‌تر باشم و وظیفه خودم را انجام بدهم می‌آیم به مبانی امام خرده می‌گیرم یا آنها را اصلاً قبول نمی‌کنم.

بعضی از اشخاص هم در حوزه مجریان یعنی مجموعه دولت، قوه قضائیه، قوه مقننه هستند، اینها طبق برنامه سوم توسعه و برنامه چهارم و پنجم توسعه که الان در حال تدوین و تصویب نهایی است بنا بود و بناست که برابر یکی از بندهای آن قانون زنده و نمایان نگه داشتن آرمانها و اندیشه امام را در دستور کار قرار دهند. اینها قانوناً مسئولند. چگونه می‌توان آرمانها و اندیشه امام را زنده نگه داشت؟ این مجریان باید نگه دارند و حفظ کنند راه و اندیشه امام را. این کار برای مجریان نظام سخت است و چون سخت است آن را به حاشیه می‌برند و حتی گاهی قوانینی و تصمیمات اجرایی مطرح می‌شود که با این قوانین در تعارض هست. این مجموعه عوامل باعث شده است که اندیشه و راه امام روی زمین مانده یا به حاشیه کشانده شود.

حضور: خود حضرت امام در زمان حیات خودشان سه گروه را در داخل کشور معارض اسلام ناب معرفی کردند که اول از همه و بدتر از همه متحجرین هستند که حضرت امام در باره



خطر آنها سخنان و هشدارهایی دارد که حتی در باره لیبرالها و منافقین نگفته است. در خارج از کشور هم آمریکا و انگلیس و سایر مستکبران و وابستگان آنها از نظر امام در مقابل اسلام ناب ایستاده اند. ولی فعلاً بحث گروهها و نیروهای داخلی است. حالا به نظر شما این گروهها - خصوصاً متحجران که به قول حضرت امام خون به دل ایشان کردند- آیا حالا در زمان ما قدرت گرفته اند یا نه و وضع این گونه گرایشها و گروهها را چگونه می بینید؟ آیا همین ها نیستند که تجدید قوا کرده اند و در پی حذف راه و اندیشه امام هستند؟

حشمتی: به نظر من با این رواج خرافاتی که در جامعه مشاهده می شود که ساخته و بافته دست متحجران است و با فعالیتهایی که در گوشه و کنار می شنویم از انجمنها و گروههای آنها این اشخاص نه تنها تجدید حیات کرده بلکه میدان دار هستند. الان دهها محفل و مجلس مربوط به چنین گروههایی برپا می شود که حتی بعضاً صدا و سیما هم آن را ترویج می کند که مبانی اسلامی و علمی درستی ندارد در حالی که ما، در تهران یا قم، مجالس علمی و اخلاقی مهمی داریم مانند درسهای آیت الله جوادی آملی. قدیمیهای تهران نقل می کنند که در همین پایتخت در زمان شاه گاه تا چندین جلسه اخلاقی و تفسیری برگزار می شد. چرا الان باید مسئولان فرهنگی کشور راه دیگری بروند. لذا خطر تحجر بسیار شدید و قوی به نظر می رسد. خطر لیبرالها و غرب زده ها نیز در حد خودشان مطرح است. طبعاً هر گروهی کار خودش را انجام می دهد. ولی مسئله اینجاست که متحجران در چهره دین و در پوشش اعتقادات مذهبی، تیشه به ریشه اندیشه های امام می زنند.

اما نکته ای که من باید در اینجا عرض کنم این است که اگر بناست با خرافه زدایی مبارزه کنیم این مبارزه سربازان خودش را می خواهد. ما حتی در دوره بعد از انقلاب هم به دلایل زیاد نتوانستیم نیروهایی را تربیت کنیم که در درجه اول جریانهای انحرافی را بشناسند و سپس با آنها به مقابله فرهنگی بپردازند. مثلاً در زمان سابق شهید مطهری می دید که تحریفاتی در بیان واقعه عاشورا دارد اتفاق می افتد. ایشان وارد این صحنه شد و مجموعه سخنان ایشان که سه جلد کتاب شد بخوبی مسئله را روشن کرد. به اعتقاد من یکی از کمبودهای ما این است که سربازان این جبهه فرهنگی را در اختیار نداریم یا اصلاً چنین نیروهایی را تربیت نکردیم.

□ متحجران در چهره دین و در پوشش اعتقادات مذهبی، تیشه به ریشه اندیشه‌های امام می‌زنند

□ یکی از کمبودهای ما این است که سربازان جبهه فرهنگی را در اختیار نداریم یا اصلاً چنین نیروهایی را تربیت نکردیم

به هر حال جریان تحجر، اندیشه‌های خود را در لفاف دین و گرایش دینی پیش می‌برد. این جریان لایه‌های زیرین جامعه را پوشش می‌دهد و با انواع حيله‌ها اهداف خود را پی می‌گیرد. مثلاً یکی از اهدافی که اینها انجام دادند و خیلی هم مؤثر بوده و لازم است من اینجا به آن اشاره کنم این است که نشاط مطالعه کردن و مباحث علمی را از جامعه گرفته‌اند. جامعه را سعی کردند از عقل و تعقل و فهمیدن که مبنای اندیشه امام است دور کنند. وقتی جامعه از مطالعه و تعقل و فکر کردن تهی شود جای آن را چه چیزی پر می‌کند؟ میدان دار چه کسانی می‌شوند؟ جای آن را عده‌ای پر می‌کنند که با مداحی و غیر مستند حرف زدن و خواب دیدن و حتی با طلسم و جادو و جنبل جامعه را می‌خواهند اداره کنند. با ارتباطات غیر عقلی و نظایر اینها می‌خواهند جامعه را اداره کنند. در حالی که مسایل جامعه و معیشت مردم قوانین خودش را دارد، منطق خودش را دارد. باید این مسایل بررسی و برنامه ریزی شود تا به هدف مطلوب برسیم. ما برای ساده کردن کارها و حفظ پستها و مقامها و اینکه هر راه‌حل درست و یا نادرستی که گذاشتیم کسی حرفی نزنند می‌گوییم نه اینها نیازی نیست و مثلاً با یک خواب بخواهیم سر و ته قضیه را هم بیاوریم.

در هر حال مخالفت‌های خارج از نظام، مخالفت‌های استکبار جهانی همان طور که شما اشاره



کردید تأثیر خودش را دارد و آنها بیکار ننشسته‌اند ولی ما، هم باید نیرو تربیت می‌کردیم نکردیم، هم باید برنامه‌ها را خوب تنظیم می‌کردیم نکردیم و هم مخالفان ما روشهای کاملاً مغالطه‌آمیز خودشان را استفاده کردند و حالا آنها میدان دار معرفی اسلام شده‌اند. این است که اندیشه امام خیلی مطرح نیست.

حضور: البته به نظر می‌رسد اسم امام هست. ادعای پیروی از راه امام و اندیشه امام هم می‌شود. ولی علاوه بر اینکه عمل امام نیست، آنچه می‌بینیم، در نشریات، در صدا و سیما و در جاهای دیگر معمولاً یک نوع برداشت گزینشی از سخنان امام مطرح و تبلیغ می‌شود که موافق اهداف خاصی باشد و ابدأ به شرایط زمانی و مکانی سخن امام و سایر سخنانی که خوشایند بعضی‌ها نیست هیچ توجهی نمی‌شود. مثلاً آنجایی که مردم نسبت به دولت وظایفی دارند خیلی بزرگنمایی و تبلیغ می‌شود ولی آنجایی که مسئولین نسبت به مردم متعهدند و وظیفه دارد یا اصلاً بیان نمی‌شود و یا در یک جملات کلی و گذرا چیزهایی گفته می‌شود مثل اینکه دولت، خدمتگزار است و حامی مستضعفان است و نظایر اینها. شاید یکی از روشهای کوبیدن اندیشه امام برداشت گزینشی از سخنان ایشان باشد.

حشمتی: درست است. چون نمی‌توانند رو راست به مردم بگویند ما اندیشه حضرت امام را قبول نداریم لذا مجبورند آن قسمت از سخنان امام را که به نفع خودشان است استفاده کنند و قسمت‌های دیگر را رها کنند. خوب این طبع کار آنان است ولی ما باید مراقبت کنیم. متفکران جامعه باید مراقب باشند. اگر ما عقب نشستیم و نقدی نکردیم و صحبتی نکردیم آنها میدان دار هستند و در آینده هم خواهند بود.

حضور: یک پرسشی هم داشتم در باره فعالیتهای فرهنگی مؤسسه. شما به عنوان معاونت فرهنگی مؤسسه به طور کلی در باره برنامه‌های فرهنگی مؤسسه در گذشته و حال و برنامه‌های آینده توضیحی بفرمایید.

حشمتی: در حوزه معاونت فرهنگی مؤسسه، هدف، ترویج اندیشه‌های حضرت امام و معرفی آن به جامعه است. در همه مؤسسات پژوهشی و فرهنگی روشهایی معمول است که بر اساس آن

□ حضرت امام، بزرگترین عارف، بزرگترین مفسر و بزرگترین اندیشه‌مند در حوزه اسلامی است

□ آیا این ظلم به امام نیست که در کشور ما عرفانهای هندی و سرخ پوستی بیشتر از عرفان حضرت امام شناسانده شود؟

آثار مکتوب خود را که محققان و اندیشه‌مندان تدوین می‌کنند به چاپ می‌رسانند. ما هم وظیفه داریم آثار خود حضرت امام و آثاری که در رابطه با آنها تألیف و تدوین می‌شود، چاپ و به جامعه عرضه کنیم، از جمله به محافل دانشگاهی و بویژه کتابخانه‌ها. تقریباً تمامی کتابخانه‌های مهم داخل کشور و حتی بعضی از کتابخانه‌های خارج کشور را پوشش می‌دهیم و از این طریق به معرفی کتابهای امام یا کتابهایی که در حوزه اندیشه امام نوشته شده است می‌پردازیم. این از وظایف ماست. از کارهای دیگری که ما انجام داده‌ایم در مورد مکانهای منتسب به حضرت امام هست، مانند جماران، بیت امام در قم، بیت امام در خمین، اینها مکانهایی است که ما سعی می‌کنیم با هماهنگی سایر دستگاهها زائرینی که به سمت این مکانها می‌آیند- و هر ساله تعداد زیادی از زائرین از داخل و خارج کشور به این مکانها می‌آیند- ما اینها را تبدیل کنیم به عرصه معرفی امام و اندیشه‌های امام. برای اکثر زائرینی که می‌آیند یک معرفی اجمالی از زندگی و سیره امام بیان می‌شود و گاهی با اهدای سی دی کتاب یا اهدای کتاب سعی می‌شود با آنان رابطه برقرار شود.

از کارهای مهم حوزه فرهنگی مؤسسه در سالگردهای حضرت امام و حاج احمد آقا است.

با توجه به خیل عظیم مردمی که خصوصاً به حرم حضرت امام می‌آیند مؤسسه با توجه به میزان

توان خود سعی می کند نسبت به تبلیغ و معرفی بهتر حضرت امام کار کند. یکی دیگر از فعالیتهای ما، همکاری با صدا و سیما و تهیه برنامه‌هایی است که به معرفی زندگی و آثار و اندیشه‌های امام می پردازد؛ یا با تهیه فیلمهایی که مؤسسه دارد و سایر فعالیتهای هنری که از طرق گوناگون حتی از طریق مترو و سایر رسانه‌هایی که در دسترس هست انجام می شود به صورتهای گوناگون زندگی و اندیشه امام را معرفی می کنیم. یکی دیگر از کارهای ما ایجاد نمایشگاهها یا شرکت در نمایشگاههای مختلف است مانند نمایشگاه کتاب یا نمایشگاه آثار هنری و فرهنگی بخصوص در مواردی که نمایشگاه، مربوط به حضرت امام باشد.

یک کار نسبتاً دائمی سالانه هم داریم که با همکاری حوزه‌های علمیه و دانشگاهها بر پایه جشنواره‌هایی با موضوع امام خمینی برگزار می شود که کار بزرگی است، ملی است. ما با نهادهای مختلف - تفاهم‌نامه‌هایی هم با آنها امضا کرده‌ایم - کلاً به معرفی اندیشه‌های امام در حوزه‌های فرهنگی و هنری می پردازیم. با حوزه‌ها از طریق مدیریت همکاری مدیریت حوزه و مرکز خدمات برای طلاب، کار را انجام می دهیم. در دانشگاهها نیز از طریق جهاد دانشگاهی و دانشگاه آزاد و وزارت علوم معمولاً به شکل یکپارچه و سالانه برنامه‌ها انجام می شود. غیر از اینها یک همایشها و کارگاههایی برای امام شناسی داریم که سعی می کنیم در این همایشهای یک یا دو روزه با همکاری دانشگاهها و مراکز علمی، دانشجویان و اساتید با اندیشه‌های امام به صورت کارگاهی آشنا شوند. در این همایشها سخنرانی، ارائه مقاله و پرسش و پاسخ انجام می شود. این تقریباً چکیده وظایف و فعالیتهای ما، در زمینه زندگی و اندیشه امام است.

حضور: در جریان این فعالیتهای یعنی ترویج اندیشه‌های حضرت امام چه مشکلات محوری وجود دارد؟

حشمتی: یکی از اتفاقات خوبی که در برنامه چهارم توسعه افتاد گنجاندن ماده ۱۰۸ بود که تمام دستگاهها خصوصاً دستگاههای فرهنگی را مکلف می کرد تا برای ترویج اندیشه‌های



□ اگر عمل در کار نباشد شما صد بار بگویند آن نظامی که امام می خواست طراحی کند اساسش بر عدالت بود، احترام به مردم اساسی بود، ترویج تفکر و تعقل در آن اصل بود، چه اثری خواهد داشت؟

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران باید تلاش کنند و دستگاههای مختلف موظف شدند تا سه درصد از اعتبارات فرهنگی خود را به این مهم اختصاص دهند. توجه کنید که اگر مثلاً وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات، صدا و سیما و سایرین با توجه به اعتبارات خوبی که دارند اگر واقعاً سه درصد اعتبارات خود را به این کار اختصاص دهند و با همکاری مؤسسه و کارشناسان مؤسسه بتوانند طرحهای مناسبی را برای حضرت امام تهیه کنند چه تحول بزرگی صورت خواهد گرفت. یکی از موانع ما این است که این ماده قانونی با آنکه چهار سال است که از تصویب آن می‌گذرد ولی بسیار اندک به آن عمل شده است. شاید یک درصد آنهم اجرایی نشده. این قانون بسیار جامع و خوب بود و آئیننامه آن نیز بسیار دقیق تنظیم شد. متأسفانه بهانه‌های مختلفی از ناحیه دستگاههای اجرایی مطرح شد. با اینکه همه دوست دارند در این حوزه کار شود ولی چون دستگاههای اجرایی مشکلات خودشان را دارند سعی می‌کنند آن بودجه‌هایی که برای ترویج اندیشه امام تخصیص یافته به سوی مسایل اجرایی خودشان بکشانند و عملاً مؤسسه نتوانسته از محل این اعتبارات قانونی بهره‌برداری مناسبی بکند.

عین این ماده در برنامه پنجم تکرار شده و سه درصد اعتبارات مزبور حتی در این برنامه برجسته تر مطرح شده که برای امسال و سالهای آتی است. امیدواریم تمهیداتی اندیشه شود تا واقعاً این مصوبات قانونی صورت اجرایی به خود بگیرد. به هر حال حضرت امام متعلق به همه مردم و مجریان و انقلابیون و همه قواست. حضرت امام که متعلق به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام نیست.

اینجا یک مرجعی است که از اندیشه های امام حراست کند و مراقبت کند که اندیشه های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران تحریف نشود، بهره برداری غلط نشود. چون اعتبارات مزبور هزینه نشده است از مؤسسه با امکانات و توان فعلی نمی شود انتظار داشت که کارهایی صد در صد درخور اندیشه امام انجام دهد.

برای مشخص شدن موضوع عرض می کنم که امام، رهبر کبیر انقلاب اسلامی است و بزرگ این انقلاب است. آثار هنری در باره او باید آثار فاخری باشد. آثار فاخر در مورد یک شخصیت بزرگ در زمینه های گوناگون مانند سینما، موسیقی، رمان و غیره، همه اینها نیاز به سرمایه گذاریهای مناسب دارد. یکی از موانع ما کمبود اعتبار است. اساساً شاید اعتنای لازم در دستگاههای فرهنگی نسبت به این موضوع نمی شود و در مجموعه مجلس شورای اسلامی این کار روی زمین مانده است. در دنیا کارهای فاخر می تواند معرف شخصیت حضرت امام باشد و گرنه نقاشیهای چند نفر آماتور نمی تواند امام را به دنیا معرفی کند. بعضی از اندیشه های امام آنقدر والا هست که می تواند تابلوی نقاشی شود ولی فقط یک هنرمند بزرگ می تواند از عهده این کار برآید. من و شما که نمی توانیم چنین آثاری بوجود آوریم.

مانع دوم که به نظر من بسیار اساسی است اینکه ما نیروهایی را که بتوانند اندیشه امام را بخوبی معرفی و ترویج کنند نتوانسته ایم تربیت کنیم. منظور از ما یعنی نظام جمهوری اسلامی. نظام باید برای وصول به این هدف هزینه کند. الان جوانان ما، در دانشگاهها که حدود دو میلیون نفر هستند نیازمند افرادی هستند که بتوانند شخصیت امام را برای آنها معرفی کنند. گاهی اوقات ما، در صدا و سیما و در نشریات و جاهای دیگر واقعاً می مانیم که چه شخصی را معرفی کنیم که بتواند از عهده عرضه صحیح اندیشه امام بر بیاید. با اینکه مردم راغب هستند و نهادها دعوت می کنند ولی در بسیاری از سمینارها ما دچار کمبود متفکرینی هستیم که ویژه این کار تربیت کرده باشیم. نیروی انسانی معرف حضرت امام بخوبی تربیت نشده است که این یکی از گرفتاریهای مهم ماست.

از معضلات دیگر اینکه خیلی از دستگاهها و نهادها به صرف اینکه مؤسسه تنظیم و نشر آثار

حضرت امام تأسیس شده است تمام مسائل حضرت امام را از حوزه‌های خود کنار گذاشته و به این مؤسسه ارجاع می‌دهند حال آنکه تبلیغ و معرفی امام فقط وظیفه این مؤسسه نیست بلکه وظیفه‌ای همگانی است.

یکی از موانع دیگر اینکه ما امام را از روشهای عادی تبلیغی و فرهنگی معرفی می‌کنیم. در هیچ جای دنیا معمول نیست که یک شخصیت اندیشه‌مند یا یک عارف بزرگ را صرفاً با این روشها مثلاً از طریق بیل بورد یا تیزر معرفی کنند. من نمی‌گویم از این ابزارها استفاده نکنیم ولی اگر اکتفا کنیم که این لوازم می‌تواند امام را معرفی و ترویج کند درست نیست. لذا پیشنهاد ما این است که برای تبیین و تدوین و معرفی اندیشه‌های حضرت امام باید یک پژوهشهای ملی انجام شود و به کتابهای درسی تبدیل شود. تا این اندیشه‌ها تبدیل به کتابهای درسی نشود و حتی برای تدریس در کشورهای دیگر ترجمه نشود این اندیشه‌ها پایدار نمی‌ماند.

ما کار را خیلی ساده گرفته‌ایم. فکر کرده‌ایم که اندیشه امام مثل اندیشه یک فرد عادی است و همان جور با آن برخورد می‌کنیم. ما شاید هنوز باور نکرده‌ایم که حضرت امام بزرگترین عارف، بزرگترین مفسر، بزرگترین اندیشه‌مند در حوزه اسلامی است، شخصیت انقلابی عظیمی که نظام ستمشاهی را واژگون ساخت و نظامی الهی را جایگزین آن ساخت و بعد هم آن را بخوبی اداره کرد و نهادهایش را مستقر ساخت. چون این باور را نداریم لذا سعی کردیم که بسیار ساده به موضوع نگاه کنیم. اینکه من می‌گویم، شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد خطابم هست نه اشخاص عادی. وقتی شورا یا وزارت علوم به حضرت امام و ترویج اندیشه‌های او می‌رسد فکر می‌کند که همین راههای عادی برای این کار میسر است. هیچوقت فکر نکردند کرسیهای امام شناسی باید تشکیل شود. این خیلی بد است که عرفانهای هندی و سرخ پوستی در کشور بیشتر شناسانده شود تا عرفان حضرت امام. آیا این ظلم به امام نیست؟

حضور: اینها که فرمودید بعضی از مشکلات اجرایی است که یک طرف آنهم مؤسسه است ولی همان طور که خودتان هم اشاره کردید مسایل مهمتری هم مطرح است و آن قدرت گیری

فضای تحجرو متحجران و سایر مخالفان راه امام در جامعه و مسئله مهم دیگر عمل نکردن به اندیشه های امام است. مثلاً اگر اندیشه امام خوب است و خوب هم تبلیغ شود ولی به آن عمل نشود، خوب، نسل جوان، جوان امروز که دل پاک و نیات صادقانه ای دارد به این نتیجه می رسد که این حرفها چیزهای خوبی است برای گفتن و نه چیزهای خوبی برای عمل کردن. مثلاً اگر در جامعه ای که بناست طبق دیدگاههای امام، یعنی طبق اسلام- آن طور که حضرت امام معرفی کردند- اداره شود ولی در این جامعه فرضاً عدالت قضایی نباشد، عدالت اقتصادی نباشد، یعنی شعارش باشد ولی عملش نباشد آن وقت چه خواهد شد؟

**حشمتی:** کاملاً درست است. اگر بخواهید اندیشه ای را از بین ببرید یا باید خوب معرفی نکنید- که آن بخشی که من صحبت کردم در باره خوب معرفی نکردن بود- یا اینکه بخواهید از اساس ریشه کن کنید باید آن را معرفی کنید ولی بد عمل کنید. این چیزی که شما می گوید در حوزه اجرایی و قانون گذاری و قضایی پیش می آید. اگر عمل در کار نباشد شما صدها بار بگویند آن نظامی که امام می خواست طراحی کند اساسش بر عدالت بود، احترام به مردم اساسی بود، حفظ آبرو و حیثیت و حقوق مردم اساسی بود و ترویج تفکر و تعقل در آن اصل بود، چه اثری خواهد داشت وقتی بسیاری از کارگزاران نظام با این مفاهیم اصلی اندیشه امام مخالفت می کنند. در صورت ادامه چنین وضعی این اندیشه دیگر برای همیشه تعطیل خواهد شد. آیا واقعاً ریشه تحجر این قدر قوی است که چنین مسایلی را دامن می زند؟ آیا ما اندیشه امام را باور نکرده ایم یا یاران امام به حاشیه رانده شده اند؟ در واقع آنهایی که باید این اندیشه ها را اجرا می کردند اصلاً در صحنه نیستند که بتوانند کاری کنند و کسان دیگری بر سر کارها آمده اند که با اندیشه امام نا آشنا هستند. ما باید در پی این پرسش بزرگ باشیم که منشاء این درست عمل نشدن به اندیشه ها و آرمانهای امام کجاست. البته این مسئله می تواند ریشه های مختلف و متعددی داشته باشد. وقتی شما شخصیت های مبارز همراه امام را که دغدغه اصلی راه و آرمان امام را دارند در صحنه نمی بینید چنین مسایلی پیش خواهد آمد. مثلاً شما باید سراغ شیخ حسن صانعی را از مسئولین بگیرید. ایشان کجاست؟ ایشان که طی سالهای مبارزه، بیت امام را در قم حفظ کرد و نام امام را نگه داشت الان کجاست؟ شخصیت های بزرگ انقلاب اسلامی کجا هستند؟ آقای دعایی که

□ تمام افرادی که دلشان برای اندیشه امام می سوزد و به آرمانهای او اعتقاد دارند باید با دقت وضع فرهنگی جامعه را رصد کنند، نقاط انحراف را پیدا کنند و راههای مقابله با آن را بررسی و اجرایی کنند

در تمام صحنه‌های عراق حضور داشت الان کجاست؟ ایشان و امثال ایشان چرا در صحنه حفظ و حراست از اندیشه‌های امام حضور ندارند؟ البته خود آنها تلاشهایی می کنند ولی می خواهم بگویم وقتی این گونه اشخاص در صحنه نباشند یا اسباب حضور آنها فراهم نشود، طبعاً متحجران میدان دار می شوند. اینها همه حاکی از نقاط ضعف ماست.

حضور: با توجه به آنچه رسانه‌ها خصوصاً روزنامه‌ها منعکس می کنند بعضی از نویسندگان نوعی رجعت به بعضی از عناصر نظام شاهنشاهی را متذکر می شوند؛ درست مانند قوم موسی که خداوند آنها را نجات داد و آنها پس از آزادی از چنگ فرعون خواهان پاره ای از لذایذ و عناصر نظام فرعونى شدند، یعنی آن نوع زندگی را می پسندیدند. در عین حال بعضی از نویسندگان معتقدند نسل جوان ما این طور نیست. نسل جوان تا آنقدری که شناخته به اندیشه‌های امام علاقه و اعتقاد دارد و باید اندیشه‌های امام به آنان بهتر شناسانده شود. نظر شما در این زمینه چیست؟

حشمتی: بله، وقتی فرهنگ امام به حاشیه برود و فرعی شود و در بطن جامعه دیده نشود یک چیز دیگری باید جایگزین آن شود. به هر حال جامعه در خلاء فکری که زندگی نمی کند. شما اگر بخواهید ببینید فرهنگ جامعه ما به چه سمت و سویی می رود کافی است بعضی از برنامه‌های صدا و سیما را ملاحظه کنید. یا مثلاً فیلم اخراجیها در ایران جزو پرفروشترین فیلمها در می آید چون در آن یک سری لوده بازی و مسخره بازی و این جور قضایا مطرح می شود. در سریالهای



صدا و سیما نیز این جور چیزها بروز پیدا می کند تا مورد توجه قرار گیرد. ولی اگر چند کلمه حسابی بخواید زده شود یا برنامه اصلاً شکل نمی گیرد یا پخش نمی شود یا کسی از آن استقبال نمی کند.

در این زمینه‌ها مردم مقصر نیستند. فرهنگ جامعه ما همواره از دو قشر تأثیر گرفته است: یکی قشر روحانی و حوزوی و دیگری قشر نخبگان و دانشگاهیان. مثلاً مرحوم مدرس که آنقدر تأثیرگذار بود و مردم به او علاقه داشتند یا امام خمینی که مردم شیفته او شدند. امام معجزه‌ای را برای همیشه تاریخ ثبت کرد که این همه جوان به خاطر اندیشه و راه او از مال و جان و همه چیز دست شستند و راهی دفاع از کشور شدند. این کار کمی نبود، یک ایجاد فرهنگ بود که نیاز به بررسی زیادی دارد. در پی حرکت مشتاقانه و صادقانه جوانان به صحنه‌های نبرد چنین فرهنگی آمد تا توی خانه‌ها و بازار و همه جا. این فرهنگ مبارزه خالصانه که با ترویج معارف اسلامی از ناحیه روحانیون بوجود می آید، با بی توجهی به دنیا، با کناره‌گیری از پست‌ها و بی اعتنا بودن به زخارف دنیا، چنان آثاری دارد. حال وقتی روحانیون خودشان از بعضی از تربیون‌ها می آیند و بعضی از سخنان خلاف این فرهنگ را می زنند دیگر جوان امروز چه انگیزه‌ای دارد؟ روحانی که در نماز جمعه می آید مردم را به خلاف وحدت و به زد و خورد و سرکوب دعوت می کند این جوان چه تقصیری دارد؟ یک زمانی امام جمعه مردم را به تقوا دعوت می کرد، به رفتن به جبهه، به کمک به مردم دعوت می کرد و خودش هم یک الگو بود.

به هر حال، مردم ما هم از حوزویها تأثیر می گیرند و هم از قشر روشنفکر. روشنفکر جامعه یا نخبگان مانند نویسنده‌ها، هنرمندان، استادان، اگر اینها نیز آدرس اشتباهی بدهند مردم اشتباه می‌روند. به نظر من اگر امروز مشاهده می کنیم که بعضاً به فرهنگی برگشته‌ایم که اسلامی نیست یا فرهنگ امام نیست باید گفت این دو قشر به وظایف خود خوب عمل نکرده‌اند. حالا چرا اینها به این وضع دچار شده‌اند بحث دیگری است که مفصل است. به نظر من اگر این دو قشر اصلاح نشوند همان است که امام خمینی فرمود که اگر عالم فاسد شد عالم فاسد می شود. البته همین الان هم علمای بزرگی داریم که اهل تقوا و اهل عمل صالحند ولی عموماً در انزوا هستند، در اقلیت



□ آنچه نیاز همه مردم جهان است اندیشه‌های متعالی امام خمینی است

□ ما باید در پی این پرسش بزرگ باشیم که منشاء این درست عمل نشدن به اندیشه‌ها و آرمانهای امام کجاست

هستند، گوشه گیرند. الان دوره، دروه چاپلوسی و تملق و ریاکاری و این جور چیزها شده است و اگر این کارها را نکنی شما را می اندازند توی حاشیه. البته گفتم الان فضیلت بزرگی داریم که در قم و شهرهای دیگر هستند ولی میدان دار نیستند.

از آن طرف هم هنرمندان و نویسندگان متعهد زیادند ولی اکثر تریونهای آنها بسته است، جایی ندارند صحبت کنند، ممنوع التصوير می شوند و لذا در صحنه حاضر نیستند و چون حضور ندارند چکار کنند؟ اینجا واقعاً مردم تقصیر ندارند. مردم که نمی توانند بدون راهنما عمل کنند. اینها آفات مهمی است که تا آن را بر طرف نکنیم مشکل ترویج اندیشه امام حل نخواهد شد. در اینجا برمی گردیم به همان تربیت نیروهای مناسب این اندیشه. این فرهنگ و اندیشه، هم باید نیروهای خود را حفظ می کرد و هم نیروهای جدیدی تربیت می کرد که چنین نشد.

حضور: علاوه بر آنچه گفتید چه راههای دیگری برای جلوگیری از ایجاد انحراف در اندیشه

و فرهنگ امام به نظر شما می رسد؟

حشمتی: من یکی دو تا توصیه دارم. به نظر من تمام افرادی که دلشان برای اندیشه امام

می سوزد و به آرمانها و اندیشه های او اعتقاد دارند بایستی با دقت وضعیت فرهنگی جامعه را رصد

کنند. یعنی از کنار این قضایایی که دارد اتفاق می‌افتد بسادگی رد نشوند و نقاط انحراف را پیدا کنند و راههای مقابله با آن را بررسی و اجرایی کنند. پیشنهاد دیگر من این است که دور هم جمع شوند و درباره ناهنجاریهای اجتماعی بحث کنند و راه حل ارائه دهند. دیگر اینکه باید دوستان امام بدانند که چون سخن و شعار و اندیشه امام برحق بوده است ممکن است غباری بگیرد و ابری جلوی این اندیشه‌های تابناک را بگیرد ولی دائمی نخواهد بود. آنچه می‌تواند نظام اسلامی را اداره کند و جهان را به سوی تعالی راهنمایی کند همین اندیشه‌های امام هست. شما در عصر کنونی نمی‌توانید با اندیشه‌های متحجرانه در دنیا پیشرفت کنید. نیروهای طالبانی در افغانستان، در پاکستان و خیلی جاها بوده‌اند ولی نمی‌توانند داعیه اداره جهان را داشته باشند. آنچه نیاز همه مردم جهان است اندیشه‌های متعالی امام خمینی است. ما باید امیدوار باشیم، نیروهای لازم را تربیت کنیم و خوب کار کنیم تا ان‌شاءالله از بحرانهای کنونی به سلامت بگذریم. هر فرهنگ و اندیشه‌ای پیروان و حافظان خود را می‌خواهد که با قول و فعل خود می‌توانند آن اندیشه را زنده نگاه دارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی